



عکس: علی محمدی/ایران

آمار شهدا و کشته شدگان پلاسکو

با وجود ضد و نقض گویی هایی در خصوص آمار دقیق گمشدگان و آتش نشان های گرفتار سرانجام مشخص شد تعداد مصدومان این حادثه ۲۳۵ نفر بودند که ۱۸۰ نفر از مصدومان به صورت سریایی تحت درمان قرار گرفتند و ۵۵ نفر دیگر نیز به بیمارستان منتقل شدند که یکی از آنها فوت کرد و ۵۲ نفر نیز پس از بستری در بیمارستان و دریافت خدمات لازم ترخیص شدند. یکی از آتش نشانان به نام بهنام میرزاخانی که در زمان تخریب به علت شدت سوختگی در بیمارستان بستری شده بود بلافاصله درگذشت. همچنین پیکر ۱۶ آتش نشان و ۴ شهروند عادی نیز از زیر آوار خارج شد. تا آخرین روز آواربرداری نیز با وجود بارش برف و باران و شعله های سرکش آتش، آتش نشان ها و گروه های امدادی تا آخرین لحظه تمام نیروی خود را برای نجات و بیرون کشیدن همکارانشان گذاشتند. پس از ۱۰ روز، عملیات آواربرداری به پایان رسید.

مویه ای برای ۱۶ آتش نشان شهید

بدون شک یکی از غم انگیزترین و تلخ ترین روزهای سال گذشته، پنجشنبه سیاه ۳۰ دی بود که ساختمان پلاسکو آتش گرفت و ساعاتی بعد هم ناگهان فرو ریخت. ۱۰ روز پس از این حادثه هولناک سراسر ایران در غم هجران ۱۶ آتش نشانی



سامانه شهباز
خبرنگار

سیاهپوش شد که مظلومانه در آتش شعله ها و آوار ساختمان ۵۴ ساله نوستالژیک سوختند تا هموعانشان نسوزند، اما با سوختن پیکرهای این فداکاران، دل ایران و مردم جهان هم سوخت؛ پنجشنبه سیاهی که خانواده ۱۶ آتش نشان و چند کارگر شاغل در ساختمان پلاسکو، چشم انتظار عزیزانشان بودند تا از مأموریت بازگردند، اما افسوس که این انتظار ۱۰ روز طول کشید. انتظاری که در عین ناامیدی کورسوی امیدی همراهش بود. ولی وقتی پیکرهای سوخته ۱۶ آتش نشان شجاع از زیر خروارهای سیمان و آهن بیرون کشیده شد موجی از اندوه و حسرت کشور را فرا گرفت. همدلی و همدردی با خانواده آتش نشان های فداکار، تنها مرهمی بود که دل سوخته شان را آرام می کرد. علاوه بر آتش نشان های فداکار، شهروندانی نیز در پلاسکو حضور داشتند که راهی محل کارشان شده بودند تا شب عید درآمدی برای خانواده هایشان کسب کنند و سال نورادار کنار هم جشن بگیرند، ولی در چشم برهم زدن سرمایه شان را از دست دادند. سال ۹۵ ملت ایران سیاهپوش شد. سیاهپوش جانفشان های قهرمان و چند کارگر.

حوادث

ایران در شوک پلاسکو

ساعت ۷ و ۵۹ دقیقه صبح پنجشنبه ۳۰ دی ماه بود که خبر آتش سوزی در یکی از طبقات بالایی ساختمان ۱۷ طبقه پلاسکو واقع در خیابان جمهوری به سامانه آتش نشانی شهر تهران اعلام شد. به دنبال آن مأموران ۱۰ ایستگاه آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند. ۱۵ تانکر آب به همراه ۲۰۰ آتش نشان به اطفای حریق پرداختند. هیچ کس فکرش راهم نمی کرد که ساختمان پلاسکو به عنوان یکی از ساختمان های بزرگ و تجاری تهران و نخستین ساختمان مرتفع و مدرن ایران، یکباره ویران شود اما افسوس که فاجعه اتفاق افتاد و ایران را در بهت و شوکی باور نکردنی فرو برد.

تماشاچیان دوربین به دست

دودهای سیاه و سفید، در چند دقیقه آسمان شهر را پوشاند. شعله های سرکش از طبقات دهم و یازدهم ساختمان پلاسکو به بیرون زبانه می کشید. همه در تلاطم بودند تا هر چه زودتر به اطفای حریق بپردازند. صاحبان مغازه ها نیز با شنیدن خبر آتش سوزی با عجله خود را به محل رسانده بودند و تلاش می کردند مدارک و چک هایشان را از گاو صندوق ها بردارند. آتش نشان ها فریاد می زدند: «داخل ساختمان نروید» اما افسوس که گوشه شنوای حرف هایشان نبود. به همین خاطر آنها در نبرد با آتش و برای نجات مردم، جانشان را کف دست هایشان گذاشته و وارد میدان شدند تا مردم را به بیرون



شاهد صحنه بودند در محوطه اطراف ساختمان پلاسکو پیچید. آتش نشان ها با دیدن این صحنه، ناباورانه اشک می ریختند و دیگر رمقی نداشتند. با صداهای خش دار و خسته، دوستانشان را صدا می کردند و به دنبال ردی از همکارانشان بودند که در دقیقه های آخر برای کمک به مردم وارد ساختمان شده بودند، اما دست شان به جایی نمی رسید. ساعت ها می گذشت امداد رسانی به حادثه دیدگان ساختمان پلاسکو ادامه داشت و با وجود ازدحام جمعیت، بیل های مکانیکی به منظور انجام آواربرداری وارد محدوده ساختمان پلاسکو شدند.

همچنین در کنار تیم های امدادی، تیم هایی از نیروهای یگان ویژه و ارتش و سپاه نیز برای امداد رسانی، آواربرداری و

از ساختمان منتقل کنند. بی سیم ها روشن بود و آتش نشان های گرفتار در طبقات بالایی از ویران شدن ساختمان خبر می دادند. همه در تلاطم بودند. حدود سه ساعت از آتش سوزی عظیم می گذشت و آتش نشان ها موفق به اطفای بخش قابل توجهی از حریق شده بودند، اما هنوز در دقیقه گذشته بود که این ساختمان قدیمی دوباره شعله ور شد. در کشاکش همه هم و شلوغی خیابان جمهوری، عده ای از مردم نیز بدون توجه به عمق فاجعه با در دست داشتن تلفن همراه، سرگرم تهیه عکس سلفی و فیلمبرداری شدند که همین کار موجب اختلال در کار نیروهای امدادی شد. افسوس که آنها توجهی به هشدارهای پلیسی و درخواست های آتش نشان های فداکار نداشتند که در هجوم جمعیت گرفتار شده بودند و ملتسمانه تقاضا می کردند تا راه را باز کنند. بالاخره همه این عوامل دست به دست هم داد تا این آتش سوزی گسترده تر و کار امداد رسانی با مشکلات بیشتری روبه رو شود و...

انفجارهای متعدد

ساعت ۱۱:۱۵ همزمان با اطفای حریق ساختمان شعله ور صدای چندین انفجار به گوش رسید. هیچ کس نمی دانست قرار است چه اتفاقی رخ دهد اما در چشم برهم زدن ساختمان بلند مرتبه در مقابل دیدگان حیرت زده همگان فرو ریخت و با خاک یکسان شد. ناگهان صدای گریه و فریاد مردم و آتش نشان ها که